گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۴۵۳۹۵۰
چهارشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۰ ۱۱:۲۸

سال ۸۸ به رهبری توصیه می‌کردند انتخابات را ابطال کنند تا فتنه جمع بشود!

کیهان به نقل از حسن رحیم پور ازغدی نوشت:ظاهراً در صفّین بود که حضرت امیر دیدند دو سه نفر از اصحاب به نیروهای معاویه فحش می‌دهند. ایشان گفتند چه می‌کنید؟ گفتند آقا فحش دادند، داریم جواب‌شان را می‌دهیم. حضرت فرمودند: «إنّی أکره أن تکونوا سبّابین...»؛ بدم می‌آید شما فحش بدهید. گفتند آقاجان آنها دارند فحش می‌دهند، ما چه‌کار کنیم؟ فرمودند شما افشا کنید؛ سخنرانی کنید، توضیح بدهید که ما چه می‌گوییم، بگویید دعوا سر چیست؟ استدلال کنید؛ بگذارید آنها فحش بدهند.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، حتّی وقتی طلحه و زبیر می‌خواهند علیه ایشان اقدام کنند، حضرت امیر می‌فرمایند شما یک چیز کوچک را دارید به یک جنگ تبدیل می‌کنید؛ این‌همه نقاط مثبت را ندیده می‌گیرید؛ چرا دم از دشمنی می‌زنید؟ چرا باید با ما دشمن بشوید؟ ایشان متواضعانه می‌فرمایند من چه اشتباهی کردم؟ آنها گفتند: «چرا سر همه مسائل با ما مشورت نمی‌کنید؟». ایشان فرمود آن‌جاهایی که تکلیف الهی نباشد، با همه مشورت می‌کنم، ولی وقتی تکلیف روشن است ـ یعنی فرمان خدا و رسول(صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم) است ـ من با کسی مشورت نمی‌کنم. این وظیفه من است وگرنه دیگر مشروعیّت ندارم.
می‌گوید من دنبال دشمن نمی‌گردم امّا وقتی لازم شد، به جنگ خوارج می‌روم؛ همه‌تان هم نمازشب بخوانید، همه‌تان هم که حافظ قرآن باشید، این چیزها برای من مهم نیست.
بعضی‌ها می‌گویند فلانی با این سوابق، چگونه نظام در برابر او بایستد؟ ابن‌عبّاس مفسّر قرآن و نفر بعد از امیرالمؤمنین(علیه‌السّلام) است؛ گاهی اهل سنّت در کنار حضرت امیر از ایشان یاد می‌کنند و او را بزرگ‌ترین مفسّر قرآن می‌دانند؛ واقعاً هم آدم وزینی است؛ حضرت امیر هم از ایشان خیلی تجلیل می‌کنند. خودش می‌گوید من شاگرد علی‌بن ابی‌طالب(علیه‌السّلام) هستم. حضرت، ابن‌عبّاس را می‌فرستند و می‌گویند برو با اینها (اصحاب نهروان) مذاکره کن. او می‌رود امّا وقتی برمی گردد خودش مسئله‌دار شده است. می‌گوید از کنار هر چادری رد شدم، مثل کندوی زنبور صدای ذکر و تکبیر و تهلیل و تسبیح می‌آمد، یا در سجده هستند یا در رکوع؛ پیشانی‌های اینها از سجده زخم است،با کی داریم می‌جنگیم؟ امیرالمؤمنین فرمود جز من کسی جرئت نمی‌کرد با اینها بجنگد امّا «إنّی فقأت عین الفتنه». پس اصحاب خاص هم می‌ترسیدند؛ نه فقط به لحاظ نظامی، به لحاظ اینکه دارند با چنین مقدّسانی می‌جنگند. ولی حضرت فرمود من چشم فتنه را درآوردم.
در سال ۸۸ خیلی‌ها به رهبری توصیه می‌کردند انتخابات را ابطال کنند تا فتنه جمع بشود.ایشان گفت چرا باید ابطال کنم؟ من معتقدم اگر رهبری سال ۸۸ در برابر این جریان مقاومت نمی‌کرد، دیگر فاتحه انتخابات برای همیشه در ایران خوانده شده بود. اصلاً در این مورد شخص مهم نیست که برنده و بازنده کیست.
فرض کنید ایشان بدون دلیل انتخابات را با ۱۱ میلیون رأی اختلاف ابطال می‌کرد. حالا انتخابات بعدی باید برگزار بشود یا نشود؟ اگر می‌شد، بازنده چه‌کار می‌کرد؟ حتماً او هم همین را می‌گفت. اگر رهبری دفعه بعد را ابطال نمی‌کرد، می‌گفتند پس چرا قبلاً این کار را کردید؟ هرکسی انتخابات را می‌بُرد، بازنده همین را می‌گفت که چطور آن دفعه اینها باختند و گفتند با وجود ۱۱ میلیون اختلاف نتیجه را باطل اعلام کن، شما هم کردید؛ حالا که ما مثلاً با ۶ میلیون اختلاف باختیم، چرا ابطال نمی‌کنید؟ دیگر انتخابات در ایران نمی‌توانست پا بگیرد. عقیده من این است که ایشان در آن بحران، از جمهوریّت این نظام دفاع کرد؛ چون در انتخابات ۸۸ دو طرف اسلامی بودند، هیچ‌کس علیه اسلام حرف نمی‌زد.